

## درنامه

**تعلیم و تربیت:** در تعلیم و تربیت بحث مربوط به ساختن افراد انسان هاست. مکتبی که دارای هدف مشخص است باید سیستم آموزشی داشته باشد. در اسلام هم اصالت فرد محفوظ است و هم اصالت جامعه یعنی فرد را باید ساخت برای طرح هایی که برای جامعه در نظر گرفته شده است.

**تعلیم:** عبارت است از یاد دادن. اگر متعلم را فقط فراگیرنده در نظر بگیریم آموزش ما هیچ ارزشی ندارد بنابراین هدف معلم زنده کردن قوه ابتکار و پرورش فکری متعلم است. مسأله علم همان آموزش دادن است.

\* هر جا از عقل و تعقل در مقابل علم و تعلم بحث می شود، نظر به همان حالت رشد عقلانی و استقلال فکری است که انسان قوه استنباط داشته باشد.  
\* از نظر تعلیم، متعلم فقط فراگیرنده است.

## انواع علم

علم مطبوع: علمی که از طبیعت و سرشت انسان شرچشمه می گیرد و همان قوه ابتکار شخص است.

علم مسموع: علمی که شنیده و فرا گرفته است.  
امام علی(ع): اگر علم مطبوع نباشد، علم مسموع فایده ندارد

\* عدم وجود علم مطبوع در افراد به دلیل سوء تعلیم و سوء تربیت است.

در سیستم آموزش قدیم افراد به علت نقص استعداد و یا به علت نقص تعلیم و تربیت، حکم ضبط صوت را دارند و معلومات آن ها در حد کتابی است که گوش داده اند، اگر خارج از آن سوالی طرح شود لنگ می زنند، عالمی است که مغزش جاهل است.

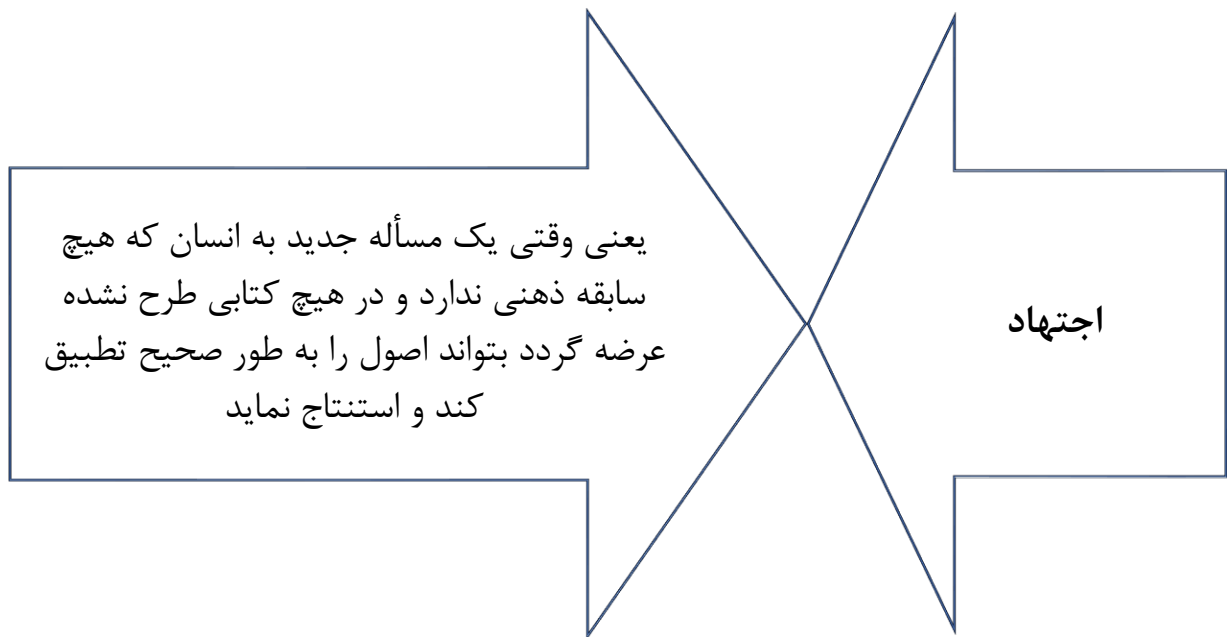


وظیفه معلم تقویت قوه تجزیه و تحلیل دانش آموز است.

هدف معلم پرورش نیروی فکری متعلم و زنده کردن قوه ابتکار اوست

\* ملاک، زیاد استاد دیدن نیست زیرا کسی که سالیان دراز صرف درس گرفتن از این و آن کرده دیگر مجال برای فکرن برای خودش باقی نگذاشته، دیگر چیزی باقی نمانده برای آنکه با نیروی خودش به مطلبی برسد. مغز انسان حالت معده انسان را دارد، معده انسان غذا را از بیرون میگیرد و با ترشحاتی که خودش روی غذا می‌ریزد آن را می‌سازد. معده باید جای خالی داشته باشد تا غذا را زیر و رو کند و آن را هضم نماید. مغز انسان نیز به همین شکل است.

\* هدف در آموزش و پرورش رشد فکری دادن به متعلم و به جامعه است.



مجتهد: کسی است که مکتب جدید و قابل قبولی می‌آورد و افکار را تابع خودش می‌کند

\* مایه اصلی تفکر، تعلیم و تعلم است و تفکر بدون تعلیم و تعلم امکان پذیر نیست و از آنجایی که تعلیم و تعلم عبادت است تفکر نیز عبادت است. در باب تفکر نقل شده: «أفضل العبادَةِ التَّفَكُّرُ؛ لا عِبَادَةَ كَالتَّفَكُّرِ». در تفکر جدای از نتیجه ای که انسان از فکر خود می‌گیرد، سبب رشد فکر خود نیز می‌شود.

- برخی از شواهد دعوت اسلام به علم آموزی را بیان کنید؟  
 - «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در آیه شریفه بهترین شاهد بر عنایت اسلام به تعلیم و تعلم «الذی علم بالقلم» است.  
 \* قلم مظهر سواد و نوشتن است.

- در داستان معروفی که پیامبر اکرم وارد مسجد شدند و دو گروه را مشاهده نمودند، گروهی مشغول عبادت و گروهی مشغول تعلیم، فرمودند هر دو گروه کار نیک می کنند اما من برای تعلیم فرستاده شده ام. همچنین پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

« بالتعلیم ارسلت؛ من برای تعلیم فرستاده شده ام»

- در آیه «يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» یزکیههم مربوط به پرورش و تربیت است و یعلمهم مربوط به حکمت و دریافت حقیقت است.

\* هر دریافت حقیقتی را حکمت می گویند.

\* هدف اسلام عالم بودن امت اسلامی است « طلب العلم فریضه علی کل مسلم»

## انواع علوم

بعضی علوم واجب کفایی است و به اعتبار اینکه مقدمه یک واجب است، فراگیری آن واجب است مانند علم پزشکی

بعضی از علوم واجب عینی هستند و کسب آن برای هر فرد واجب است مانند: معرفه الله، علم بالله، علم به فرشتگان، پیامبران و قیامت، زیرا این علوم مقدمه ایمان یا از شرایط ایمان هستند و ایمان در اسلام گرایش از علم است نه گرایش از تقلید.

\* تربیت عقلانی انسان: در اسلام هم دعوت به علم شده و هم دعوت به عقل.

علم به معنای آموزش و فراگیری است اما تنها فراگیری کافی نیست بلکه آنچه در زمینه فراگیری ضرورت دارد مسأله تفکر کردن در ماده های فراگرفته شده است.

\* العلم فرضه: قدر مسلم شامل آن علم هایی که از شرایط ایمان است می باشد.

\* هر وظیفه ای از وظایف اسلامی که نیازمند به علم باشد، همان علم برایش واجب می‌شود به عنوان یک واجب نفسی تهیوی، یعنی واجبی که ما را آماده می‌کند برای واجب دیگر، واجبی که نوعی واجب مقدمی است. مانند علم اخلاق.

**عقل:** باید غربال کننده باشد؛ امام صادق(ع) با اتناد به آیه «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَيْهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ أُولُوا الْبَابِ» به هشام بن الحکم می‌گوید: خدا اهل عقل و فهم یعنی افرادی که آنچه می‌شنوند را نقادی می‌کنند، ارزیابی می‌کنند و بهترین آن را برمی‌گزینند بشارت می‌دهد که اینان را خدا هدایت کرده و اینان صاحب عقل هستند.

\* یکی از بارزترین صفات عقل برای انسان جداکردن و تمییز است، عقل آن وقت برای انسان عقل است که به شکل غربال دربیاید.

\* پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «کفی بالمرء جهلا ان يحدث بكل ما سمع» برای جهال انسان همین بس که هر چه می‌شنود نقل کند.

\* ابن خلدون از برخی مورخین انتقاد می‌کند که در نقل های تاریخی فقط دنبال صحت سند هستند درحالی که باید قبل از آن دنبال صحت مضمونی رفت. باید فکر کرد که خود مطلب با منطق جور در می‌آید یا نه، برای مثال به نقلی در مورد قوم موسی اشاره می‌کند که نوشته اند پس از عبور از دریا ۲۵۰ هزار مرد جنگی بودند این درحالی است که فرعون پسرهای این ها را می‌کشت. یا در نقل دیگری در مورد انقراض بنی امیه و اینکه خداوند به فرزندان امام حسین(ع) برکت داد گفته شده: در روز عاشورا تنها یک فرزند برای امام حسین(ع) باقی ماند درحالی که در سال ۶۱ هجری دوازده هزار گهواره زرین درخانه های بنی امیه بود اما امروزه از همان یک فرزند امام این همه سادات حسینی، موسوی و رضوی به جا مانده و از بنی امیه کسی باقی نمانده است.

**نقادی سخن:** تفاوت است میان اینکه انسان از بین دو سخن، درستش را انتخاب کند و نادرش را رها کند با اینکه یک سخن را تجزیه و تحلیل کند و عناصر درستش را بگیرد و عناصر نادرش را کنار بگذارد. خوبی های کلام را از بدی های آن جدا کند.

امام صادق(ع) در روایتی از حضرت مسیح چنین نقل می‌کنند: «حق را از اهل باطل بگیرد و باطل را از اهل حق نگیرد»؛ یعنی به گوینده سخن توجه نداشته باشد، سخن شناس باشد، چه بسا ممکن است حق را از اهل باطل بشنوید و یا باطل را از اهل حق.

امام در ادامه می‌فرماید: خداوند حجت‌های خود را به وسیله عقول بر مردم اکمال کرده و پیغمبران را به وسیله بیان یاری نموده است و به وسیله برهان‌ها به ربوبیت خویش دلالتشان کرده و به آیه «ان فی خلق السموات و الارض... لآیات لقوم یعقلون» استدلال می‌کند.

### – در تربیت اسلامی کدام مسئله اهمیت بیشتری دارد؟

در تربیت‌های اسلامی تأکید شده خودتان را در زمان حال حبس نکنید و به آینده توجه داشته باشید و عواقب و لوازم کار را در نظر بگیرید (آخر بینی کنید). پیامبر اکرم بیان فرموده اند: «اذا هممت بامر فتدبر عاقبتہ؛ هرکاری را که به آن تصمیم می‌گیری در عاقبت آن تدبر کن و آخرهایش را نگاه کن».

**لزوم توأم بودن عقل و علم:** علم به منزله مواد اولیه یک کارخانه است و عقل به منزله محصول آن کارخانه.

علم فراگیری است و عقل تفکر و استنتاج و تجزیه و تحلیل.

امام صادق(ع) به هشام می‌گوید: «ثم بین ان العقل مع العلم؛ عقل و علم باید توأم باشد و به این آیه استناد می‌کند» **«وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا**

**نظر قرآن و آئمه در مورد پیروی از عادات اجتماعی چیست؟**

اساس قرآن بر مذمت کسانی است که اسیر تقلید و پیروی از آباء و گذشتگان هستند و تفکر و تعقل نمی‌کنند.



هدف قرآن از این مذمت تربیت انسان است. قرآن می‌خواهد افراد را بیدار کند که مقیاس و معیار

باید تشخیص و عقل باشد نه پیروی از اعمال پدران.

همه پیامبران با چنین پدیده‌ای در میان قوم خود مواجه می‌شدند.

امام صادق(ع) و مرد سنت‌گرا: امام به منزل یکی از دوستان یا شیعیانشان که خانه محقری داشت و توان بر اینکه خانه بهتری داشته باشد نیز داشت رفتند. امام به او فرمود چرا در این خانه زندگی می‌کنی؟ شخص جواب داد این خانه پدری و اجدادی من است دلم نمی‌خواهد از اینجا بروم، امام فرمود گیرم پدرت شعور نداشت تو هم باید اسیر بی شعوری پدرت باشی؟

این گونه مسائل درصدد این است که امت را بسازد.  
**پیروی نکردن از اکثریت:** قرآن می‌فرماید اگر اکثر مردم زمین را پیروی کنی تو را از راه حق منحرف می‌کنند. دلیلش اینست که اکثر مردم پیرو گمان و تخمین اند نه پیرو عقل و علم.  
امام علی (ع) می‌فرماید: « لا تستوحشوا فی طریق الهدی لقله اهل؛ در راه هدایت به دلیل اینکه در آن راه و جاده افراد کمی هستند وحشتتان نگیرد.

#### تأثیرپذیری از قضاوت دیگران:

امام صادق فرمود: به قضاوت مردم ترتیب اثر نده، اگر تو گردویی داشته باشی و هر کس به تو می‌رسد بگوید چه لؤلؤهای عالی داری، وقتی خودت می‌دانی که گردوست نباید قضاوت مردم در تو اثر داشته باشد. بر عکس اگر تو لؤلؤهای گرانبهایی داری، هر کس به تو می‌رسد بگوید این گردوها را از کجا آورده ای تو نباید ترتیب اثر بدهی.

یعنی روح حقیقت جویی، روح  
بی غرضی، روح بی تعصبی، روح  
خالی از جمود، روح خالی از  
غرور، یعنی انسان می‌خواهد  
حقایق را آن طور که هستند  
درک کند نه آن طور که دلش  
می‌خواهد



روح علمی

\* عالم واقعی کسی است که روح علمی با علمش همراه باشد.

\* علم اساساً از غریزه حقیقت جویی سرچشمه می‌گیرد.

\* اگر انسان بخواهد حقیقت آن جویری باشد که دلش می‌خواهد این منشأ گمراهی است. برای مثال در سوره

نجم منشأ گمراهی افراد اینست که هوای نفس را در تشخیص خود دخالت می‌دهند.

صد هزار از دل به سوی دیده شد

چون غرض آمد هنر پوشیده شد

در مرحله دوم پایین  
می‌آید و کوچک  
می‌شود و تواضع  
می‌کند

در مرحله سوم  
می‌فهمد که نسبت  
به آنچه باید بداند  
هیچ نمی‌داند

در مرحله اول، تکبر به  
انسان دست می‌دهد

مراحل  
علم

## ایستگاه تست درسی‌نامه

- ۱- با توجه به تعریف تعلیم، هدف معلم از آموزش دادن کدام مورد می باشد؟
- ۱- ساختن افراد انسان ها      ۲- پرورش فکری متعلم      ۳- رشد علمی      ۴- آموزش دادن
- ۲- مهم ترین دلیل نبود علم مطبوع در افراد کدام است؟
- ۱- نقص استعداد      ۲- نبود علم مسموع      ۳- سوء تعلیم و تربیت      ۴- نبود قوه ابتکار
- ۳- در امر تعلیم و تربیت استفاده از اساتید مختلف ملاک نمی باشد دلیل این امر کدام است؟
- ۱- زیرا افراد به دلیل نقص در استعدادهایشان امکان درک معلوماتی خارج از کتاب را ندارند
- ۲- زیرا بخشی از علوم افراد از طبیعت و سرشت آن ها نشأت می گیرد
- ۳- زیرا مجالی جهت فکر کردن و تحلیل برای افراد باقی نمی ماند
- ۴- زیرا افراد می توانند به تنهایی مسائل را تطبیق و استنتاج نمایند
- ۴- با توجه به اینکه هدف اصلی در آموزش و پرورش رشد فکری است، مایه اصلی تفکر کدام مورد می باشد؟
- ۱- استنتاج      ۲- عبادت      ۳- تجزیه و تحلیل      ۴- تعلیم و تعلم
- ۵- طبق حدیث شریف « طلب العلم فریضة علی کل مسلم » هدف اسلام چیست؟
- ۱- رشد عاطفی      ۲- عالم بودن امت      ۳- تربیت      ۴- تفکر
- ۶- مهم ترین مسئله که در زمینه فراگیری ضرورت دارد کدام است؟
- ۱- تربیت عقلانی      ۲- تفکر در ماده های فراگرفته شده
- ۳- آموزش علوم مختلف      ۴- دریافت حقیقت
- ۷- با توجه به آیه شریفه « فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ.. » یکی از ویژگی های بارز عقل کدام است؟
- ۱- شنیدن سخنان دیگران و عمل به آن      ۲- دریافت معلومات و نقل آن ها
- ۳- تربیت و ساختن انسان ها      ۴- دریافت معلومات از دیگران و ارزیابی آن
- ۸- معیار قرآن کریم در رابطه با پیروی از عادات اجتماعی کدام است؟
- ۱- تقلید و پیروی از گذشتگان      ۲- تشخیص و عقل
- ۳- علم      ۴- توجه به استعدادهای خود



۹- در دومین مرحله از مراحل علم آموزی کدام حالت در انسان پدید می آید؟

۱- تکبر

۲- درک حقیقت

۳- تمارز

۴- تواضع

پاسخنامه ایستگاه تست ۱

ردیف	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
پاسخ	ب	ج	ج	د	ب	ب	د	ب	د